

## تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی

رضا اکبریان\*

خدیجه جوکار\*\*

### چکیده

در جهان امروز بانکداری اسلامی توانسته است خود را به عنوان یک سیستم مالی مقتدر مطرح کند. اکنون در بسیاری از کشورها، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، نه تنها بانکداری و مالیه اسلامی در کنار نظام بانکی متداول در حال فعالیت است، بلکه در برخی موارد نیز پیشرو بوده است. در این مقاله به دنبال معرفی بانکداری اسلامی و بررسی تأثیر آن بر رشد و توسعه اقتصادی در حوزه مباحث نظری هستیم. پژوهش حاضر ابتدا به صورت اجمالی به بیان ویژگی‌های اصلی بانکداری اسلامی می‌پردازد و مزایای در اختیار داشتن این ویژگی‌ها و علاوه بر آن ابزارهای کلیدی بانکداری اسلامی را معرفی می‌کند. سپس در زمینه‌هایی نظیر کارایی، ثبات، خطرات اخلاقی و کاهش فقر بانک‌های اسلامی را با بانک‌های متعارف مقایسه می‌کنیم. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات قبلی از این فرضیه که بانکداری اسلامی یک کانال اصلی برای رشد اقتصادی است حمایت می‌کنند. در وهله اول به نظر می‌رسد که مزایای حاصل از بانکداری اسلامی، رشد اقتصادی بیشتری را نسبت به بانکداری متعارف نوید می‌دهد؛ و از سوی دیگر، به‌طور کلی می‌توان گفت یک محیط اقتصادی اسلامی که به جای استفاده از بهره، به میزان مناسب از عقدهای مشارکتی و مبادله‌ای استفاده می‌کند، به علل گوناگون می‌تواند پیشرفت و توسعه اقتصادی بیشتری را در پی داشته باشد و با بحران‌های کم‌تر و کوتاه‌تری روبه‌رو شود. البته نمی‌توان با قاطعیت تمام، بانکداری اسلامی را در کلیه شرایط زمینه‌ساز توسعه قلمداد نمود. احتمالاً در مواردی که به آن‌ها در متن مقاله اشاره شده است التزام به بانکداری اسلامی می‌تواند موجب کندی حرکت توسعه گردد. یکی از پیامدهای این مطالعه برای سیاست این است که بانکداری اسلامی به ثبات اقتصاد کلان، هم برای کشورهای توسعه‌یافته و هم برای کشورهای در حال توسعه کمک می‌کند.

واژگان کلیدی: رشد اقتصادی بانکداری اسلامی، توسعه اقتصادی بانکداری اسلامی، مالیه اسلامی

طبقه بندی JEL: G21O11

Rakbarian2014@gmail.com

\* دانشیار بخش اقتصاد دانشگاه شیراز

jokar113.kh@gmail.com

\*\* کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

## مقدمه

اسلام توجه ویژه‌ای به توسعه اقتصادی دارد. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصاد اسلامی در جهت رسیدن به توسعه اقتصادی عدم وجود ربا است. در آیات قرآن و روایات زیادی بر این اصل اساسی تأکید شده است که سیستم اقتصادی بایستی از ربا تهی باشد. در حال حاضر در جهان قسمت عمده مبادلات پولی به وسیله بانک‌ها انجام می‌شوند. از این منظر، اداره امور زندگی و همچنین اداره امور اقتصادی کشورها مستلزم وجود بانک‌ها است. با توجه به اینکه بانک‌ها به عنوان جزئی از ارکان توسعه ایفای نقش می‌کنند، ارائه خدمات و تسهیلات آن‌ها بر اساس مبانی و مؤلفه‌های اسلامی می‌تواند در راه وصول به توسعه مؤثر باشد (اکبریان، ۱۳۸۴: ۵۶۳).

سابقه بانکداری بدون ربا به دو دوره تقسیم می‌شود، دوره اول دوره‌ای است که در آن بانکداری بدون ربا به عنوان یک مفهوم و عقیده مطرح است. افرادی از جمله انور کورشی<sup>۱</sup>، نعیم صدیقی<sup>۲</sup>، محمد احمد<sup>۳</sup>، محمد حمیدالله<sup>۴</sup> تحقیقاتی انجام داده‌اند و این موضع را مطرح می‌کنند که عملکرد بانک‌ها باید بر اساس مشارکت در سود و زیان<sup>۵</sup> باشد. این گروه همگی در مورد بدون بهره بودن فعالیت بانک‌ها اتفاق نظر دارند. در دوره دوم که شامل دو دهه اخیر می‌شود، بحث بانکداری بدون بهره، جذابیت بیشتری پیدا کرده است. با توجه به اهمیت روز افزون مباحث توسعه اقتصادی، کشورها به دنبال آن هستند که با بکارگیری عقود اسلامی شکاف طبقاتی و مشکلات ناشی از بهره را رفع کرده و از این طریق اهداف مهم توسعه را تعقیب نمایند. در سال‌های اخیر کنفرانس مالی اسلامی در کراچی (۱۹۷۰)، کنفرانس اقتصاد اسلامی در مکه (۱۹۷۶)، کنفرانس بین‌المللی لندن (۱۹۷۷) و کنفرانس بین‌المللی بانکداری اسلامی در تهران (۱۹۸۶) از جمله فعالیت‌های جمعی در این راستا هستند (الگالفی و خیار، ۲۰۱۲).

اولین بانک اسلامی به نام مایت-قمر<sup>۶</sup> در سال ۱۹۶۳ در مصر ایجاد شد که در ابتدا خیلی مشهور و موفق بود اما پس از مدتی به دلایل نامعلومی به تعطیلی کشیده شد. پس از مایت قمر، اولین بانک خصوصی بدون بهره در سال ۱۹۷۵ در دبی توسط عده‌ای از تجار مسلمان ساکن کشورهای مختلف تأسیس شد و به دنبال آن در سال ۱۹۷۷ بانک اسلامی

1. Anwar Qureshi (1946)
2. Anwar Qureshi (1946)
3. Muhammad Ahmad (1952)
4. Muhammad Hamidullah (1957)
5. Profit- Loss Sharing (PLS)
6. Mit- Ghamr

فیصل<sup>۷</sup> در مصر و سودان بنیان‌گذاری شد. در همان سال دولت کویت نیز بانک ملی کویت را به وجود آورد و پس از آن در سال ۱۹۷۹ بانک اسلامی بحرین تشکیل شد. به این ترتیب ایجاد بانک‌های اسلامی به کشورهای مسلمان و غیرمسلمان از جمله دانمارک و لوکزامبورگ نیز گسترش یافت، به طوری که طی ۱۰ سال ۵۰ بانک بدون بهره ایجاد شدند. در پاکستان از اول ژانویه ۱۹۸۱ همه بانک‌ها سپرده‌ها را بر اساس سهم سود و زیان می‌پذیرفتند. بعد از انجام مطالعات اولیه و برداشتن قدم‌های اساسی در سال ۱۹۸۵ فعالیت بانک‌ها به سمت بانکداری بدون بهره میل داده شد و از سال ۱۹۸۵ هیچ بانکی سپرده‌ای را با بهره نمی‌پذیرفت (دربل و همکاران، ۲۰۱۱). در ایران مطالعات در مورد حذف بهره از سال ۱۳۶۰ آغاز شد و این سیاست با اعطای ۴٪ حداکثر بهای خدمات روی دارایی و ۴ تا ۸ درصد نرخ سود به فعالیت‌های جایگزین شده بود و به این ترتیب سود تضمین شده حداقل گردید. در سال ۱۳۶۱ قانون بانکداری بدون ربا معرفی و مبنای عملیات بانکداری قرار گرفت (اکبریان، ۱۳۸۴).

بخش بانکداری به طور خاص به دنبال مدل‌های مختلف بانکی نظیر مؤسسات خصوصی در اقتصاد متعارف (در بسیاری از کشورهای عربی و غربی)، مدل‌های بانکداری دوگانه (در مالزی)، شرکت‌های فرعی اسلامی از گروه‌های بانکداری متعارف و شاخه‌های بانکداری اسلامی در بانک‌های متعارف است.

بازار مالی اسلامی، با نرخ رشد متوسط سالانه ۲۰-۱۵ درصد در بیش از پنج سال گذشته، سریع‌ترین رشد در بخش امور مالی را نشان می‌دهد (دربل و همکاران، ۲۰۱۱). در طول سه دهه گذشته، تعداد نهادهای مالی اسلامی از یک نهاد در یک کشور در سال ۱۹۷۵ به بیش از ۳۰۰ نهاد فعال در بیش از ۷۵ کشور در بیشتر نقاط جهان افزایش یافته است (القراچی، ۲۰۰۵). این مؤسسات بودجه‌هایی در حدود ۲۰۰ میلیارد دلار با کل دارایی بیش از ۸۲۲ میلیارد دلار را مدیریت می‌کنند (اقبال و مولینیوکس، ۲۰۰۵؛ موین، ۲۰۰۸).

به این ترتیب بانکداری اسلامی در سطح جهان طی سال‌های اخیر گسترش شتابانی یافته است. هر چند همگان رشد سریع خدمات بانکداری اسلامی را تحسین می‌کنند اما با بلوغ عرصه نظری بانکداری اسلامی، ابزارهای مطابق با شریعت اسلام از این پس برای رقابت با ابزارهای متعارف بانکی و رسیدن به سطح تولید انبوه، راه دشواری را در پیش دارند. به عبارت دیگر اکنون زمان تولید ابزارهای بانکداری اسلامی رسیده و دیگر دوره طفولیت آن سپری شده است

7. Faisal Islamic Bank

و از این پس باید به دنبال افزایش توان رقابتی ابزارهای مالی اسلامی با رقبای پرسابقه آن باشیم (نوری احمدآبادی، ۱۳۹۰: ۲).

در حالی که مطالعات پیشین، توسعه نهادهای مالی را به عنوان عامل تعیین کننده رشد اقتصادی در نظر می گیرند، مطالعات در مورد ارتباط بین انتشار بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی محدود است. این مطالعه به دنبال تعیین رشد اقتصادی حاصل از بانکهای اسلامی در یک چارچوب نظری است. بر این اساس مقاله حاضر در چهار بخش تنظیم شده است: در بخش دوم، پیشینه تحقیق ارائه شده است. در بخش سوم، مباحث نظری مربوط به هر یک از موضوعات بانکداری اسلامی از جمله ویژگی های اصلی بانکداری اسلامی و مزایای استفاده از آن، ابزارهای کلیدی در بانکداری اسلامی، تأمین مالی اسلامی و شیوه های تأمین مالی و توسعه اقتصادی توضیح داده شده است. در بخش چهارم خلاصه ای از مطالب ارائه شده و پیشنهادات و توصیه های سیاستی در این خصوص ارائه شده است.

#### ۱. پیشینه تحقیق

تأثیرگذاری بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی یکی از مهم ترین موضوعات مطرح شده در ادبیات رشد اقتصادی است که بحث های زیادی را به خود اختصاص داده است. درباره این موضوع مطالعات داخلی فراوانی صورت گرفته است. این در حالی است که در مطالعات داخلی مطالعات بسیار اندکی در حوزه مباحث نظری به بررسی تأثیر بانکداری اسلامی بر روی رشد اقتصادی پرداخته اند و اکثر مطالعات، این رابطه را به صورت تجربی و برای یک کشور خاص مورد بررسی قرار می دهند. در این میان بیشتر مطالعات به بررسی کارایی بانکداری اسلامی و مقایسه آن با بانکداری متعارف می پردازند. در ادامه مروری مختصر بر مطالعات داخلی و خارجی صورت گرفته در این مورد خواهیم کرد.

#### ۱-۱. مطالعات خارجی

**فرقانی و مولیانی (۲۰۰۹)**، در مطالعه ای به بررسی تقابل پویا بین بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی در کشور مالزی با استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری و آزمون همجمعی پرداختند. برای این منظور آن ها از داده های سری زمانی تسهیلات مالی بانکداری اسلامی و تولید ناخالص داخلی، سرمایه ثابت و فعالیت های مبادله ای بانک ها برای دوره ۲۰۰۵-۱۹۹۷ استفاده کرده اند. نتایج مطالعه آن ها نشان می دهد که در کوتاه مدت، فقط سرمایه ثابت، علیت

گرنجری برای رشد بانکداری اسلامی در دوره مورد بررسی بوده است. در حالی که در درازمدت از نقطه نظر رشد اقتصادی، یک رابطه دو طرفه بین بانکداری اسلامی و سرمایه ثابت وجود دارد. همچنین شواهدی از تأیید فرضیه تقاضای وابسته به تولید ناخالص داخلی و بانکداری اسلامی وجود دارد که در آن افزایش در تولید ناخالص داخلی باعث توسعه بانکداری اسلامی می شود و نه بالعکس.

**گودرزی فراهانی و صدر (۲۰۱۲)**، در مطالعه‌ای با عنوان "تجزیه و تحلیلی از تأمین مالی بانک‌های اسلامی و رشد اقتصادی"، به بررسی روابط کوتاه‌مدت و درازمدت بین توسعه بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی در ایران و اندونزی پرداخته و برای این کار از داده‌های پانل فصلی در بازه‌ی زمانی (۲۰۱۰:۴-۲۰۱۱:۱) استفاده کرده‌اند. نتایج برآورد مطالعه آن‌ها با استفاده از روش آزمون حدی از الگوهای همجمعی و تصحیح خطای توسعه‌یافته در چارچوب الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL)، بررسی آن‌ها نشان می‌دهد که یک ارتباط مثبت و معنی‌دار را میان توسعه مالی اسلامی و رشد اقتصادی و انباشت سرمایه در این کشورها در کوتاه‌مدت و درازمدت وجود دارد. به نظر می‌رسد این ارتباط یک رابطه دو سویه باشد. این مطالعه، بررسی شیوه‌های تأمین مالی اسلامی و تعهد گرفتن از بانک‌های تجاری برای اجرای قانون بانکداری اسلامی را نیز دنبال می‌کند.

**عبدوه و عزمی عمر (۲۰۱۲)**، نیز در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های فصلی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۳ در چارچوب الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) به بررسی روابط کوتاه‌مدت و درازمدت بین توسعه بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی در کشور اندونزی پرداختند. نتیجه به دست آمده در این مطالعه نیز این بود که یک رابطه بلندمدت و معنادار میان بانکداری اسلامی و رشد و توسعه اقتصادی وجود دارد. با این حال این رابطه، نه عرضه پیشرو شومپیتر و نه تقاضا پیرو رابینسون است. به نظر می‌رسد که این رابطه نیز یک رابطه دو طرفه باشد.

**حسن‌الدین و همکاران (۲۰۱۳)**، در مطالعه‌ای، رابطه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی را در سیستم مالی دوگانه بحرین بررسی کردند. در این مطالعه آزمون همجمعی و الگوی تصحیح خطای برداری (VECM) انجام شد. نتایج این برآورد برای مالیه (امور مالی) اسلامی، یک رابطه درازمدت قوی با علیت دو طرفه را نشان می‌دهد، در حالی که برای مالیه (امور مالی) معمولی یک علیت یک طرفه از رشد اقتصادی به مالیه مرسوم را نشان می‌دهد.

**الاول قول و همکاران (۲۰۱۴)**، در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین توسعه مالی بانکداری اسلامی<sup>۸</sup> و رشد اقتصادی اردن در طول دوره ۲۰۱۲-۱۹۸۰ پرداخته‌اند. دو الگو برای نشان دادن این رابطه در چارچوب علیت گرنجر بر اساس الگوی تصحیح خطای برداری<sup>۹</sup> فرموله شده است. برای این منظور از شاخص‌های کل تأمین مالی بانک‌های اسلامی اردن<sup>۱۰</sup> (FINC) و کل سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار اردن<sup>۱۱</sup> (DEPT) به عنوان معیارهایی از توسعه مالی بانکداری اسلامی و تولید ناخالص داخلی واقعی (RGDP) به عنوان شاخص رشد اقتصادی استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان‌دهنده این موضوع هستند که بین RGDP و FINC یک رابطه علیت گرنجری بلندمدت دوسویه وجود دارد که حاکی از سهم مثبت بانک‌های اسلامی اردن در تأمین مالی فرآیندهای توسعه اجتماعی و اقتصادی اردن است. این رابطه به نظر می‌رسد یک رابطه‌ی یک سویه از RGDP به DEPT باشد و مشکل مازاد نقدینگی که همه بانک‌های اسلامی اردن از آن رنج می‌برند را نشان می‌دهد. با توجه به علیت کوتاه‌مدت هیچ رابطه معنی‌داری بین FIBD و EG وجود ندارد.

**تیباش و دانکار (۲۰۱۴)**، در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین توسعه امور مالی اسلامی و رشد اقتصادی در امارات متحده عربی با استفاده از داده‌های سری زمانی طی سال‌های (۲۰۱۰-۱۹۹۰) پرداختند. در این مطالعه، از شاخص تأمین اعتبار مالی بانک‌های اسلامی برای بخش خصوصی با استفاده از شیوه‌های تأمین مالی به عنوان معیاری برای اندازه‌گیری توسعه سیستم مالی اسلامی و از شاخص‌های تولید ناخالص داخلی (GDP)، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (GFCF) و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) به عنوان معیارهایی برای رشد اقتصادی واقعی استفاده شده است. نتایج تجربی این مطالعه نشان می‌دهند که یک ارتباط مثبت و قوی بین تأمین مالی بانک‌های اسلامی و رشد اقتصادی در امارات متحده عربی وجود دارد، با این حال، رابطه علت و معلولی تنها در یک جهت یعنی، از تأمین مالی بانک‌های اسلامی به رشد اقتصادی برقرار است که از نظریه عرضه پیشرو شومپیتر حمایت می‌کند. در این مورد، توسعه فعالیت‌های بخش مالی اسلامی همانند عرضه منجر به انتقال منابع از بخش‌های سنتی با رشد پایین به بخش‌های با رشد بالا و مدرن می‌شود و به نیاز کارآفرینی در بخش‌های مدرن. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که در درازمدت تأمین مالی بانک‌های اسلامی به افزایش

8. Financial Islamic Banking Development (FIBD)

9. Vector Error Correction Model (VECM)

10. Total Finance of Jordanian Islamic Banks

11. Total Jordanian Islamic Time and Saving Deposits

سرمایه‌گذاری و جذب جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در امارات متحده عربی کمک کرده است و یک رابطه دو طرفه بین تأمین مالی بانک‌های اسلامی و FDI وجود دارد. این بدان معنی است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، امور مالی اسلامی را تقویت می‌کند و امور مالی اسلامی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به خود جذب می‌کند.

## ۲-۱. مطالعات داخلی

**موسویان (۱۳۸۱)**، در مطالعه‌ای با عنوان "طراحی سپرده‌های جدید در بانکداری بدون ربا"، این استدلال را مطرح می‌کند که صنعت بانکداری با تجهیز پس‌اندازها و هدایت آن‌ها به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی، می‌تواند نقش مؤثری در رشد اقتصادی داشته باشد. به همین دلیل سپرده جاری، سپرده قرض‌الحسنه، سپرده پس‌انداز با سود ثابت، سپرده سرمایه‌گذاری با سود ثابت و سپرده سرمایه‌گذاری با سود متغیر که بر اساس عقود قرض بدون بهره، قرض‌الحسنه و وکالت طراحی شده‌اند و شکل ربا همانند بانکداری متداول را ندارند، می‌توانند بانکداری بدون ربا را ایجاد و به طور مثبت بر رشد اقتصادی اثرگذار باشند.

**کازرونی (۱۳۸۲)**، در مطالعه‌ای "رابطه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران" را با استفاده از روش جوهانسون بررسی می‌کند. وی در مطالعه خود از شاخص‌هایی چون سهم دارایی‌های غیر خارجی بانک‌ها از کل دارایی‌ها و سهم خدمات مؤسسات پولی و مالی از تولید ناخالص داخلی، به عنوان شاخص توسعه مالی استفاده کرده است. نتایج حاصل از این مطالعه، نشان می‌دهد که رابطه بلندمدت بین شاخص‌های توسعه مالی و رشد اقتصادی از نظر آماری معنی‌دار نیست. براساس انجام آزمون علیت گرنجر به این نتیجه می‌رسد که رابطه علیت بین توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران یک طرفه بوده و از توسعه مالی به رشد اقتصادی است.

**پورفرج (۱۳۸۵)**، در مقاله خود تحت عنوان "روش دستیابی به رشد پایدار با حذف بهره در الگوی پولی اسلامی"، اثر حذف نرخ بهره بر رشد اقتصادی را با استفاده از الگوی رشد سولو بررسی کرده و با دخالت دادن عدم جدایی‌پذیری بازار پول از سرمایه در الگوی رشد نشان می‌دهد که الگوی تقاضای پول با مبانی اسلامی در مقایسه با الگوهای متکی بر جدایی‌پذیری بازار پول و سرمایه با ریسک‌پذیری کمتر و زمان کوتاه‌تری به رشد پایدار می‌رسد و اثر خالص آن بر افزایش درآمد و رفاه بیشتر از الگوی پولی سرمایه‌داری است؛ زیرا با توجه به درون‌گری نرخ بهره در الگوی پولی اسلامی، رابطه مستقیم بین نرخ سود و سطح سرمایه‌گذاری وجود دارد. با

افزایش عرضه پول و اعتبارات بانکی، میزان ریسک سرمایه‌گذاری کاهش یافته و نوسانات اقتصادی حذف می‌شوند. در نهایت این موضوع مسیر رشد پایدار را می‌تواند هموارتر کند.

**عیوضلو و میسمی (۱۳۸۷)**، در مطالعه‌ای با عنوان "بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف"، به صورت نظری بر روی دو مورد از منافع اقتصادی که از اطاعت از قانون الهی درباره تحریم ربا (بهره) مورد انتظار است، یعنی ثبات و کارایی تمرکز می‌کند. در این پژوهش نشان داده شده که تأمین مالی اسلامی نسبت به تأمین مالی متعارف با ثبات‌تر و کارآتر است، و در نهایت رشد بیشتری را نوید می‌دهد. در کل می‌توان گفت یک محیط اقتصادی اسلامی که به جای استفاده از بهره، به میزان مناسب از عقود مشارکتی و مبادله‌ای استفاده می‌کند، به علل گوناگون پیشرفت و توسعه اقتصادی بیشتری را در پی خواهد داشت و با بحران‌های کمتر و کوتاه‌تری روبه‌رو خواهد بود.

**سعیدی (۱۳۸۸)**، در مطالعه‌ای به ارزیابی نقش تسهیلات شبکه بانکی بر رشد و توسعه اقتصادی استان گلستان در چارچوب الگوهای پانلی طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۷ پرداخته است. وی نشان داد که تسهیلات بانکی به‌عنوان مکمل سرمایه‌تولیدی می‌توانند نقش مهمی در سرمایه‌گذاری و رشد تولید در استان گلستان داشته باشد. ضریب الگو بیانگر آن است که یک درصد افزایش در تسهیلات بانکی استان می‌تواند ارزش افزوده (رشد اقتصادی) استان را به میزان ۰/۲۷ درصد افزایش دهد.

**بورفرج و علیزاد (۱۳۸۹)**، در مطالعه‌ای به ارزیابی درجه تمرکز اعتبارات در عقود بانکی اسلامی و اثر آن بر رشد اقتصادی در ایران، با استفاده از داده‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۶ از طریق شاخص هرفیندال-هیرشمن پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد تمرکز در اعتبارات، بیشتر به سمت عقود مبادله‌ای با نرخ ثابت است و عقود مشارکتی از درجه اهمیت کم‌تر برخوردار هستند. با توجه به اینکه یکی از اهداف سیاست‌های پولی در حذف بهره اثرگذاری بر رشد است، در بررسی علیت گرنجری، رابطه میان اعتبارات بانکی عقود مبادله‌ای بر رشد معنی‌دار نبوده و نیاز است برای اهداف رشد، تمرکز اعتبارات به سمت عقود مشارکتی هدایت شود.

**صمصامی و توکلی (۱۳۹۱)**، در مطالعه‌ای به بررسی اثر اجرای بانکداری بدون ربا بر سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و تورم در ایران پرداختند. نتایج این بررسی با استفاده از روش رگرسیون حداقل مربعات سه‌مرحله‌ای (3SLS) طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۳۸ نشان می‌دهد که ابلاغ قانون بانکداری بدون ربا اثر معناداری بر متغیرهای سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و تورم در ایران ندارد. همچنین، بررسی‌های انجام شده بر روی شیوه اجرای قانون عملیات بانکی

بدون ربا نشان می‌دهد که این قانون در چارچوب قراردادهای بانکی پیاده شده، در بیشتر موارد به صورت صوری اجرا گردیده است و این ناکارآمدی ناشی از عدم عمل به مفاد قانون است. نتایج حاصل از الگو نیز این مهم را تأیید می‌کنند.

**موسویان و ورمزیاری (۱۳۹۲)**، در مطالعه‌ای ارتباط بین تأمین مالی بانکداری بدون ربا و رشد اقتصادی در ایران را با استفاده از داده‌های فصلی طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۰ و بکارگیری روش الگوی خودهمبسته با وقفه‌های توزیعی (ARDL)، بررسی کرده‌اند. نتیجه مطالعه آن‌ها نشان‌دهنده اثر معنادار بانکداری بدون ربا بر روی رشد اقتصادی در ایران است که می‌توان از آن به عنوان یک راهنمای مهم سیاست‌گذاری استفاده کرد.

## ۲. مبانی نظری

### ۲-۱. ویژگی‌های اصلی بانکداری اسلامی

مطالعات انجام شده پیش از این، ۹ ویژگی مشخص را به طور کلی برای تأمین مالی اسلامی و به طور خاص بانکداری اسلامی معرفی و شناسایی می‌کند که عبارتند از:

**(۱) ممنوعیت بهره (ربا):** همه انواع قراردادها و معاملات باید عاری از ربا باشند. واضح‌ترین شکل ربا "ربا النسیه"<sup>۱۲</sup> است که به عنوان هر گونه بازگشت پول در سررسید با توجه به اولویت زمانی تعریف شده است. تضمین بهره وام نشان‌دهنده‌ی بارزترین مثال ربا در بانک‌های متعارف است، که در قانون اسلام اکیداً ممنوع است خواه اینکه این بهره در هر نرخ ثابت یا شناور و یا ساده و مرکب باشد.

**(۲) ممنوعیت سرمایه‌گذاری‌های غیراخلاقی:** بانکداری اسلامی بر مبنای هنجارهای اخلاقی و تعهدات اجتماعی مشخص می‌شود. از این رو سرمایه‌گذاری در کلیه فعالیت‌های غیراخلاقی مانند: الکل، قمار، توتون، محصولات گوشت خوک، هتل و یا پاتوق‌های غیراسلامی، سرگرمی-های نفسانی و غیره در سیستم بانکداری اسلامی ممنوع است.

**(۳) خالی بودن معاملات بانکی از بیع الغرر:** همه انواع قراردادها و معاملات باید از عدم اطمینان بیش از حد خالی باشد.

یکی از تفاوت‌های مهم معاملات فقه اسلامی با قوانین حقوقی عادی، ممنوعیت غرر است. عمده بحث فقیهان پس از بحث‌های طولانی در معنای واژه «غرر» و مفهوم ترکیبی «بیع الغرر» به

12. Riba AL-Naseaa

این گرایش پیدا کرده که مقصود از «بیع الغرر»، بیع غرری است؛ یعنی خرید و فروشی که در یکی از شئون سه گانه آن، نوعی عدم آگاهی و جهالت است؛ به گونه‌ای که با وجود آن، اقدام بر معامله همراه با نوعی ضرر و خطر است. مقصود از شئون سه گانه، مسائل ذیل است:

۱. مسأله علم متعاملان بر قدرت تحویل عوضین.
  ۲. مسأله علم متعاملان بر مقدار و کیفیت عوضین.
  ۳. مسأله علم متعاملان بر موقعیت معامله مانند زمان و مکان تحویل عوضین و نوع خیار فسخ و مدت آن (شیخ انصاری، ۱۳۷۵ به نقل از موسویان، ۱۳۸۲).
- با توجه به این ضابطه فقهی که از آن به «قاعده نفی غرر» نام می‌برند، باید معاملات بانکی و قراردادهای از جهات مذکور، روشن و شفاف و بدون جهل غرری باشند. از جهت موضوع معامله، مقدار و کیفیت تعهدات بانک و مشتری، زمان و مکان انجام تعهدات، موقعیت ضمن عقد، قدرت بر تسلیم و ادای تعهدات باید به گونه‌ای روشن باشد که هیچ یک از دو طرف به سبب جهل و عدم شفافیت متضرر نشوند.

۴) خالی بودن معاملات بانکی از ضرر: قراردادهای نباید برای هیچ بخشی مضر باشد.

۵) عدم وجود بی‌ثباتی و نوسان: سرمایه‌گذاران از انجام اشتباهاتی که برای منافع آنها مضر است جلوگیری می‌کنند، به عنوان مثال سرمایه‌گذاران ممکن است یک دوره خاصی را فراهم کنند که طی آن، آنها می‌توانند یک معامله ناگهانی<sup>۱۳</sup> را لغو کنند.

۶) ارتباط تأمین مالی با بهره‌وری: همانطور که دیدیم بانک‌های اسلامی نمی‌توانند پول را قرض دهند یا پول را از کسی دریافت کنند و انتظار سود داشته باشند، چرا که بهره (ربا) مجاز نمی‌باشد. در اسلام پول باید در راه مولد استفاده شود و ثروت را تنها می‌توان از طریق تجارت مشروع و سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها ایجاد کرد. ابزارهای مالی جدید در بانک‌های اسلامی باید بر محور این ویژگی گسترش پیدا کنند. مشارکت و مضاربه تنها برای شرکت‌های تولیدی که به کسب و کار در زندگی واقعی و افزایش تولید و بهبود کیفیت کمک می‌کنند، امکان‌پذیر است. مراجه و اجاره نیز باید معامله فیزیکی کالاها و یا ارائه خدمات باشد. در نتیجه سیستم بانکداری اسلامی می‌تواند از طریق ترویج پروژه‌های تولیدی و حمایت از تجارت کالاها و خدمات، باعث رشد اقتصادی شود.

۷) تأکید بر قراردادهای عادلانه: سرمایه‌گذاران حق اینکه به اجبار وارد یک معامله شوند و

13. Impulsive Transaction

یا از ورود به یک معامله منع شوند را ندارند. همچنین سرمایه‌گذاران حق دسترسی برابر به مجموعه خاصی از اطلاعات و حصول قدرت یکسان برای سوق دادن (هدایت) مذاکرات در یک معامله را دارا هستند. در نتیجه، سرمایه‌گذاران با داشتن حق امتیاز دسترسی به اطلاعات خودی باید از استفاده از چنین اطلاعاتی در معاملاتشان خودداری کنند.

**۸) مطلوبیت حاصل از به اشتراک‌گذاری سود<sup>۱۴</sup>:** بانک‌های اسلامی با سپرده‌گذاران خود بر اساس سرمایه‌گذاری معامله می‌کنند. در این معنا بانک‌های اسلامی خود را در فقه اسلامی به عنوان شرکت مضاربه<sup>۱۵</sup> در نظر می‌گیرند. در چنین شرایطی سپرده‌گذاران به عنوان سرمایه‌گذار و مدیریت بانک (یا سهامداران به‌طور کلی) به عنوان کارآفرین در نظر گرفته می‌شوند. در نتیجه سود باید بین سپرده‌گذاران و بانک به اشتراک گذاشته شود.

**۹) زکات و قرض‌الحسنه<sup>۱۶</sup>:** بانکداری اسلامی به عنوان یکی از ابزارهای مالی اسلامی، در جهت کمک به تحقق اهداف اجتماعی و اقتصادی اسلام به دنبال ایجاد یک جامعه عادلانه است. بانک‌های اسلامی، مانند هر نهاد اسلامی دیگر و یا حتی افراد اسلامی، باید زکات پرداخت کنند. زکات به عنوان وصول مالیات متناوب و واجب (لازم) بر همه مسلمانانی که ثروت یا درآمد بالاتر از حداقل معینی دارند و پرداخت آن به گروه خاصی از مردم فقیر و نیازمند تعریف شده است. از سوی دیگر قرضه‌الحسنه به معنای یک وام با فضیلت (وام بدون بهره) است. وام قرض‌الحسنه با این شرط که در پایان دوره به هیچ عنوان مبلغی به آن اضافه نشود، پرداخت می‌شود. این وام بدون بهره برای اهداف خیریه یا برطرف کردن نیازهای سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت اعطا می‌شود. قرض‌گیرنده موظف است که تنها اصل مبلغ وام را بازگرداند. این وام فقط مخصوص افراد نیازمند است و پاداش پرداخت این وام نزد خداوند است. (مراجعه شود به مطالعات، ریاحی - بلکاوی، ۲۰۰۰؛ میرآخور، ۲۰۰۰؛ وارد، ۲۰۰۰؛ صدیقی، ۲۰۰۱؛ هارون و هیشم، ۲۰۰۳؛ نقوی، ۲۰۰۳؛ حسن و موسی، ۲۰۰۳؛ دربل و همکاران، ۲۰۱۱).

## ۲-۲. مزایای استفاده از بانکداری اسلامی

بر اساس ویژگی‌های مطرح شده در بخش قبلی، سیستم بانکداری اسلامی از مزایای زیر نسبت به سیستم بانکداری متعارف برخوردار است:

14. The desirability of profit sharing

15. Mudaraba

16. AL-Qard-Hassan

### (۱) کارآمدی:

فریدمن (۱۹۶۹)، نشان می‌دهد که نرخ بهره اسمی صفر یک شرط لازم برای بهینگی کمک-هزینه (پاداش) منابع می‌باشد (فریدمن، ۱۹۶۹). به طور مشابه ویلسون (۱۹۷۹) و کول و کوچرلاکوتا (۱۹۹۸)، در یک تحلیل تجربی نشان می‌دهند که وجود نرخ بهره صفر برای تخصیص بهینه در مدل‌های تعادل عمومی، یک شرط لازم و کافی است. دلیل این موضوع این است که با تثبیت نرخ بهره صفر، تجار انگیزه‌ای برای جایگزین کردن منابع واقعی با پول نخواهند داشت و به همین دلیل منابع بیشتری به سمت سرمایه‌گذاری هدایت خواهند شد. گواید و ساسی (۲۰۱۰) نیز از این رویکرد حمایت می‌کنند و به این موضوع اشاره می‌کنند که بانک‌های اسلامی با تفکیک اصل سود از مکانیسم تولید سود، از کلیه فعالیت‌های سودآورانه با انگیزه رسیدن به نرخ بهره بالا جلوگیری می‌کنند. به همین دلیل تغییر در جریان پول به طور مستقیم از طریق تغییر تقاضا و عرضه کالا و خدمات بر روی بخش واقعی اقتصاد تأثیر خواهد گذاشت (گواید و ساسی، ۲۰۱۰).

در ساختار اقتصاد اسلامی، وجوه آماده برای سرمایه‌گذاری که بر مبنای روش‌های تأمین مالی مشارکتی به دست می‌آیند باید به تسهیلات گیرندگانی تعلق پیدا کنند که پروژه‌های مولدتری دارند، نه به تسهیلات گیرندگانی که شایستگی اعتباری بیشتری دارند؛ و از این روش است که کارایی افزایش می‌یابد. همچنین نظام اسلامی که در برخی موارد بر مبنای مشارکت در سود بین پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران فعالیت می‌کند، منافع طرفین را هماهنگ کرده و در نتیجه از این راه نیز کارایی را افزایش می‌دهد (الشاماری، ۲۰۰۳؛ الجراح و مولیانیکس، ۲۰۰۵).

### (۲) با ثبات‌تر:

کیهاک و هیس (۲۰۰۸)، براساس تجزیه و تحلیل جدول Z نشان می‌دهند که سیستم مالی اسلامی از نظر مالی قوی‌تر و کم‌خطرتر از بانک‌های متعارف است. صاحبان حساب‌های سرمایه‌گذاری در سیستم بانکداری اسلامی اوراق بهادار اعتبار ثابتی<sup>۱۷</sup> ندارند. بدین معنی که صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری به صورت خودکار در ریسک کاهش دارایی ناشی از بحران‌های اقتصاد کلان و یا ویژه بانکی سهیم هستند. به طور کلی تأمین مالی اسلامی نسبت به تأمین مالی متعارف از ثبات بیشتری برخوردار است؛ که یکی از علل آن وجود همزمانی بین

17. Fixed value Securities

تعهدات پرداختی و دریافتی است (یکی از پایه‌های ثبات در نظام تأمین مالی اسلامی، از برابری و همزمانی موجود بین تعهدات پرداخت واسطه مالی و درآمدهای دریافتی‌اش نتیجه می‌شود؛ چیزی که در روش‌های تأمین مالی مشارکتی به دست می‌آید). علت دیگر این امر آن است که در نظام اسلامی، به علت حذف نرخ بهره و حجم دیون کمتر، فضای بسیار محدودتری برای سفته‌بازی ناسالم وجود دارد. حتی روش‌های تأمین مالی مبادله‌ای مثل فروش اقساطی، که به پدید آمدن قرض می‌انجامند نیز خلق اعتبار را به طور مستحکمی به بخش واقعی اقتصاد گره می‌زنند بنابراین به طور کامل با فعالیت‌های اقتصادی بهره‌محور تفاوت دارند. افزون بر آن به علت آن که در یک نظام بانکداری اسلامی بخش عمده تعهدهای بانک‌ها ثابت نیستند، این نظام نسبت به نظام متعارف توانایی بسیار بیشتری در جذب شک‌های واقعی در اقتصاد دارد.

### ۳) کاهش مخاطره اخلاقی<sup>۱۸</sup>:

بانک‌ها با توجه به محدودیت منابع با توجه به اظهار نظرات متقاضیان و بررسی اجمالی طرح‌های آنان، به انتخاب طرح‌ها می‌پردازد. در این زمینه با مسئله انتخاب معکوس زمانی روبرو هستیم که متقاضیان تأمین مالی، توانایی‌ها و نیز سوابق کاری خود را به هنگام ارائه طرح اقتصادی پنهان کنند. خطر اخلاقی یکی دیگر از آثار اطلاعات نامتقارن است. مشکل خطر اخلاقی مربوط به بعد از قرارداد است و در پایان فعالیت شرکت بروز می‌کند و آن هنگامی است که متقاضیان تأمین مالی، فعالیت‌ها و عمل خود در اجرای طرح را پنهان می‌کنند (عمر فروق، ۲۰۰۶). این از جمله مهم‌ترین چالش‌های بانک در اجرای قرارداد مشارکت است که اگر بخواهد به درستی قرارداد مشارکت را اجرا کند یا باید در همه قراردادهای، حضور و نظارت کافی داشته باشد که هزینه زیادی را متوجه بانک خواهد کرد و یا اگر بخواهد متقاضی را به عنوان اداره-کننده شرکت انتخاب کند در پایان فعالیت با مشکل خطر اخلاقی روبه رو خواهد شد.

بانک‌های اسلامی با توجه به دارا بودن ویژگی‌های ذکر شده در بخش قبل به خصوص، بهره‌وری و فقدان سرمایه‌گذاری‌های غیراخلاقی، غرر (عدم اطمینان بیش از حد) و ضرر (در قراردادهای مضر) و غیره، از مزیت بالاتری نسبت به بانک‌های متعارف برای کاهش خطر اخلاقی و مشکلات انتخاب معکوس<sup>۱۹</sup> برخوردارند. علاوه بر این تمایل به افزایش سپرده‌ها و جذب سپرده بیشتر، بانک‌های اسلامی را به راه‌اندازی برنامه‌های فرهنگی برای آموزش کارکنان خود در ابعاد مذهبی

18. Reduction of Moral Hazard

19. Adverse Selection

از فعالیت‌هایشان تحریک می‌کند. دانش شریعت همراه با سطح بالایی از استعداد فرهنگی اعتبار بانک اسلامی را تقویت می‌کند و یک مزیت رقابتی ایجاد می‌کند (گواید و ساسی، ۲۰۱۰).

#### ۴) موجب کاهش بیشتر فقر می‌شود:

از آنجا که مهم‌ترین معیار برای پروژه‌های تأمین مالی در سیستم بانکداری متعارف، توانایی بازپرداخت وام، وثیقه و ضمانت است تنها ثروتمندان بیشترین دسترسی را به بازار مالی خواهند داشت. در طرف مقابل در شیوه تأمین مالی اسلامی سرمایه‌ها را باید بر اساس اصل مشارکت در سود و زیان فراهم کرد که به قابلیت سوددهی و نرخ بازدهی اهمیت می‌دهد. بنابراین قاعده‌تاً کسانی که ثروتمند نیستند ولی مهارت‌های لازم برای موفقیت پروژه را دارند مانند دانشمندان، مهندسان یا صنعت‌گران، باید شانس بیشتری برای بدست آوردن سرمایه‌گذاری داشته باشند. توصیه می‌شود که مؤسسات مالی اسلامی نه تنها باید بر روی حداکثر سود تمرکز نکنند بلکه آنها باید نقش حیاتی در نظارت بر مسائل اجتماعی و اقتصادی از قبیل کاهش فقر و بهبود جنبه‌های مهم رفاهی (مانند آموزش و پرورش، مطالعات تحقیق و توسعه، بی‌سوادی، کاهش مرگ و میر کودکان، نا امنی و بی‌قراری جوانان و غیره) را به وسیله انتقال منابع مالی کارآمد در راه فرصت‌های مولد از جمله افزایش تولید، سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های تجاری داشته باشند (دوسوکی، ۲۰۰۸).

همچنین توجه به تجربه بانک‌های اسلامی در کاهش فقر از طریق استفاده از وجوه زکات و وام‌های بدون بهره به منظور توسعه اجتماعی و اقتصادی در جامعه مهم است. هر یک از این دو با ثروتمند کردن افراد فقیر و نیازمند به نوبه خود به توسعه اقتصادی، تأمین مالی فعالیت‌های رفاهی کمک می‌کند. دو نمونه را در اینجا مطرح خواهیم کرد: اولین مورد بانک اسلامی اردن است که یک صندوق ویژه برای وام‌های بدون بهره برای افراد نیازمند تأسیس کرده است. در طی دوره ۲۰۰۳-۲۰۰۱، صندوق ۲۲ میلیون دلار برای بیش از ۴۰ هزار نفر ذینفع فراهم می‌کند که تقریباً مقدار آن ۲۳۰ درصد از کل سود خالص بانک است که در طول این ۳ سال تحقق یافته است. مورد دوم بانک توسعه اسلامی در جده که ۱۰۰ میلیون دلار در حساب وقف برای تحقیق، آموزش، مطالعات و توسعه، برنامه‌های کمکی فنی و غیره صرف می‌کند (گواید و ساسی، ۲۰۱۰).

بدون شک، اصلاح سیستم مالی کشورهای اسلامی و تجهیز به ابزار متناسب با دین مبین اسلام، مثل بانکداری اسلامی، می‌تواند زمینه‌های راهبردی مبارزه با فقر را فراهم سازد. بعلاوه، همکاری کشورها در تنظیم روابط اقتصادی و یکسان‌سازی شاخص‌های توسعه مالی اسلامی، می‌تواند شرایط بهینه‌ای را از طریق ایجاد فرصت‌های دسته‌جمعی برای مبارزه با فقر و کاهش سطح نابرابری ایجاد کند (نظریور و همکاران، ۱۳۹۱).

### ۳-۲. ابزارهای کلیدی در بانک‌های اسلامی

در تأمین مالی اسلامی پول به خودی‌خود دارای ارزش ذاتی نیست. به‌عنوان یک موضوع اعتقادی یک مسلمان نمی‌تواند پول را به کسی قرض دهد و یا پول از کسی دریافت کند و انتظار سود داشته باشد. به این معنا که بهره (شناخته شده به عنوان ربا) در اسلام مجاز نمی‌باشد و ساخت پول از پول ممنوع است. پول باید در راه مولد استفاده شود چرا که ثروت تنها می‌تواند از طریق تجارت مشروع و سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها ایجاد شود. بانک‌های اسلامی چهار شیوه اصلی را برای تأمین مالی اسلامی توسعه می‌دهند که عبارتند از: مضاربه، مشارکت، اجاره و مرابحه (چپرا، ۱۹۹۸؛ هارون، ۲۰۰۰؛ اسپیک، ۲۰۰۱؛ علام، ۲۰۰۳ و سازمان حسابداری و رسیدگی مؤسسات مالی اسلامی<sup>۲۰</sup>، ۲۰۱۰).

#### ۱-۳-۲- مضاربه<sup>۲۱</sup>

نمونه‌ای از شراکت در استفاده از منابع مالی است که یک طرف مسئول تأمین سرمایه (سرمایه‌گذار) و یک طرف وظیفه انجام کار، تخصص و مدیریت (کارآفرین) را برعهده می‌گیرد. هرگونه منفعت به دست آمده براساس یک توافق قبلی بین طرفین تقسیم می‌شود در صورتی‌که هرگونه زیان تنها متوجه تأمین‌کننده سرمایه (سرمایه‌گذار) است و شریک عامل تنها وقت و تلاشی که صرف کرده است را از دست می‌دهد مگر اینکه این خسارت ناشی از رفتار غیرمسئولانه او باشد. در این حالت بابت زیان شرکت و عامل اجرای پروژه خسارتی پرداخت نمی‌شود. در این عقد به وام‌دهنده رب‌المال و به وام‌گیرنده مضارب می‌گویند. در بانکداری اسلامی تمامی سرمایه توسط بانک پرداخت می‌شود و اجرای تجارت و مدیریت آن برعهده طرف مقابل است. در مضاربه هیچ‌گونه زبانی تقسیم نمی‌شود. بانک در واقع صاحب دارایی است

20. Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI)

21. Mudaraba

و عامل اجرایی به عنوان کارگر و یا کارگزار وی محسوب می‌شود. تقسیم سود بر مبنای عقد مشارکت صورت می‌پذیرد. در مضاربه صاحب سرمایه حق مداخله در مدیریت و تجارت را ندارد؛ مسئولیت این مهم بر عهده عامل پروژه است. مهم‌ترین ویژگی مضاربه امکان توافق بر سر تقسیم سود به هر نسبت بین طرفین است. مضاربه می‌تواند به صورت انفرادی و یا گروهی اجرا شود (چپرا، ۱۹۹۸؛ اسپیک، ۲۰۰۱؛ علی‌نژاد، ۱۳۸۸).

### ۲-۳-۲- مشارکت (مخاطره مشترک یا مشارکت در سود و زیان)<sup>۲۲</sup>

مشارکت ارتباطی است که بر مبنای یک قرارداد همکاری تجاری دوطرفه، سود و زیان حاصل از انجام کار بین طرفین تقسیم می‌شود. مشارکت یک توافق است که در آن بانک اسلامی سرمایه مورد نیاز را تأمین می‌کند که این سرمایه با آورده دیگر طرفین قرارداد و شرکت تجاری ترکیب می‌شود. در این قرارداد همه طرفین حق دارند که در مدیریت فعالیت تجاری یا صنعتی مداخله کنند اما الزامی به این کار نیست. در این عقد تجاری سود به دست آمده براساس توافق قبلی تقسیم می‌شود اما هرگونه زیان احتمالی براساس میزان حق و حقوق مشارکت طرفین تقسیم می‌شود. در این مشارکت یک نفر به تنهایی نمی‌تواند خسارت ناشی از عدم همکاری دیگران را متقبل شود. مدیریت پروژه نیز بر عهده همه، برخی یا حتی یک نفر از اعضا خواهد بود. از آنجا که بیشتر بانک‌ها تمایل ندارند که به صورت فعال مدیریت ریسک را بر عهده بگیرند، بنابراین این شکل از مشارکت معمولاً در بانک‌های اسلامی به کار برده نمی‌شود (چپرا، ۱۹۹۸؛ اسپیک، ۲۰۰۱؛ علی‌نژاد، ۱۳۸۸).

### ۳-۳-۱- اجاره (لیزینگ)<sup>۲۳</sup>

لیزینگ یکی از شیوه‌های قانونمند کسب درآمد براساس قوانین اسلامی است. در این شیوه یک دارایی واقعی مانند دستگاه، اتومبیل، کشتی و یا یک خانه می‌تواند از سوی مؤجر به مستأجر برای دوره معین در قبال قیمت معین اجاره داده شود. هزینه و منفعت در این معامله به صورت روشن و آشکار در قالب قرارداد اجاره قید می‌شود. بانک‌های بسیاری در کشورهای اسلامی از این شیوه استفاده می‌کنند. بانک توسعه اسلامی (IDB)، بانک اسلامی مالزی و تعدادی از بانک‌های تجاری در پاکستان این شیوه را به کار می‌گیرند.

22. Musharaka (Joint Venture or Profit and Loss Sharing)

23. Ijara (Leasing)

براساس قرارداد اجاره یا لیزینگ یک بانک اسلامی یک دارایی را براساس مشخصات و خواسته‌های مشتری خریداری می‌کند و آن را با توافق طرفین ضمن تعیین مدت اجاره و میزان اجاره به مشتری اجاره می‌دهد. مشخصات و طبیعت دارایی مورد اجاره نیز به هنگام تعیین اجاره و زمان اجاره، مورد نظر قرار می‌گیرد. در طول مدت لیزینگ مالکیت دارایی در اختیار اجاره‌دهنده (بانک) است. بانک این حق را دارد که این مالکیت را به اجاره‌کننده (مستأجر) انتقال دهد. در پایان مدت اجاره دارایی مجدداً به بانک تحویل داده می‌شود (الگالفی و خیار، ۲۰۱۲؛ علی‌نژاد، ۱۳۸۸).

#### ۴-۳-۲- مرابحه (تأمین مالی قیمتی یا تأمین مالی مبتنی بر قیمت تمام‌شده)<sup>۲۴</sup>

مرابحه در فقه اسلامی به عنوان فروش کالا در هزینه به علاوه سود مورد توافق تعریف شده است. بسیار مهم است که در این نوع تأمین مالی اسلامی فروشنده صادقانه خریدار را از قیمتی که خود محصول را خریداری می‌کند و تصریح مقداری از سود علاوه بر هزینه اصلی مطلع کند. بنابراین مرابحه در تئوری یک شکل از تأمین مالی تجاری است. در واقع مرابحه یک قرارداد فروش است که قیمت برخی کالاها و یا اقلام را به علاوه یک درصد مشخص سود تثبیت می‌کند. با این حال در حال حاضر مرابحه یک توافق بین خریدار نهایی (مشتری) و واسطه (بانک اسلامی) است به این صورت که بانک اسلامی نقش تأمین‌کننده پول (متخصص امور مالی) را انجام می‌دهد. در این حالت مشتری از بانک برای خرید کالاهای انتخاب شده با توجه به مشخصات خاص درخواست می‌کند هنگامی که بانک یک بار کالاها را خریداری کرد دوباره آن‌ها را به مشتری در هزینه به علاوه یک سود معین می‌فروشد، قرارداد مرابحه در چنین حالتی مرابحه به سفارش خرید<sup>۲۵</sup> نامیده می‌شود (الکیورادووی، ۱۹۸۷؛ شیحتا، ۱۹۸۷؛ الگالفی، ۱۹۹۱؛ سلیمان، ۲۰۰۰).

#### ۴-۲. تأمین مالی اسلامی

فرایند تأمین مالی (Finance) پروژه‌های سرمایه‌گذاری توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی به طور معمول از دو طریق قابل انجام است:

۱- از طریق فرآیند اعطای وام و دریافت بهره؛

24. Murabaha (Mark-up Financing or Cost-Plus Financing)

25. Murabaha to the Purchase Orderer

۲- از طریق فرآیند مشارکت در پروژه مورد نظر و دریافت بخشی از سود احتمالی آن. مهم‌ترین دلیل مؤسسات مالی برای ترجیح شیوه نخست بر شیوه دوم، غلبه بر دو مسأله شایع در فرآیند تأمین مالی است. این دو مسأله عبارت‌اند از: "انتخاب معکوس" و "مخاطره اخلاقی".

انتخاب معکوس «مسأله قبل از تأمین مالی» و مخاطره اخلاقی «مسأله بعد از تأمین مالی» است. مسئله انتخاب معکوس در صنعت بانکداری این‌گونه نمود پیدا می‌کند که کارآفرینانی که پروژه مورد نظرشان از ضریب ریسک بالاتری برخوردار است و احتمال عدم-موفقیت آنها جدی است، خواهان جلب مشارکت بانک هستند؛ برعکس، کارآفرینانی که پروژه-های مورد نظرشان نسبتاً مطمئن و دارای چشم‌انداز سود بالاست، رغبتی به شیوه تأمین مالی مشارکتی و سهم کردن بانک در سود احتمالی پروژه نشان نمی‌دهند و بیشتر خواهان دریافت وام و پرداخت بهره ثابت و از پیش تعیین‌شده هستند. در واقع، این مشکلی است که بانک‌ها قبل از عقد قرارداد و در مرحله انتخاب پروژه با آن مواجه هستند.

در بانکداری، مخاطره اخلاقی به این معنی است که گیرنده وام یا تسهیلات، از تلاش لازم برای سودآوری پروژه مورد نظر خودداری نموده و در نتیجه، بازپرداخت اقساط در وام‌های ربوی یا سهم سود پیش‌بینی شده برای بانک در تسهیلات مشارکتی را با مشکل مواجه سازد. شکل حاد مخاطره اخلاقی در صنعت بانکداری‌ای که بر مبنای PLS کار می‌کند، ارائه اسناد و مدارک جعلی توسط گیرنده تسهیلات با هدف پنهان نمودن سود حاصله و در نتیجه، انکار و یا کم جلوه دادن سهم بانک از دستاوردهای پروژه‌ای است که توسط بانک تأمین مالی شده است.

اقتصاددانان مسلمان در مقالات متعددی نشان داده‌اند که در صورت حاکمیت شرایط اطمینان نسبی در محیط فعالیت بانک و نیز در صورت امکان کنترل مخاطرات ناشی از عدم تقارن اطلاعات به هریک از سه روش پیش گفته، تأمین مالی به شیوه PLS بر شیوه رقیب یعنی اعطای وام و اخذ بهره، ارجحیت دارد. حتی آنان که در آثار خود صراحتاً به این پیش شرط اشاره نکرده اند نیز تحلیل خود را به شرایط عدم اطمینان تعمیم نداده اند. به عبارت دیگر، نوعی اجماع صریح یا ضمنی در این زمینه وجود دارد که پیش شرط موفقیت بانکداری اسلامی، امکان کنترل پدیده‌های ناشی از عدم تقارن اطلاعات (انتخاب بد و مخاطرات اخلاقی) و

حاکمیت شرایط اطمینان نسبی است (ندری، ۱۳۸۲).<sup>۲۶</sup> اکنون نوبت به این سؤال کلیدی می‌رسد که در صورتی که به هر دلیل، امکان کنترل پدیده‌های ناشی از عدم تقارن اطلاعات موجود نباشد و یا به دلیل اوضاع حاکم بر محیط کسب و کار، جامعه‌ای که بانک در آن فعالیت می‌کند شرایط عدم اطمینان را تجربه کند، التزام بانک‌های اسلامی به پایبندی بر اصول اولیه خود و اجرای دقیق و گسترده PLS، برای خود آن‌ها و به تبع، برای اقتصاد جامعه اسلامی «فرصت» محسوب می‌شود یا «تهدید»؟ این بحث را از دو زاویه می‌توان دنبال کرد: یکی با فرض بالابودن میزان عدم تقارن اطلاعات و ضعف شاخص‌های اخلاقی و دوم با فرض حاکمیت شرایط عدم اطمینان در جامعه.

**(۱) ضعف شاخص‌های اخلاقی در جامعه:** در صورت غلبه فضای عدم صداقت و جدی بودن مخاطرات ناشی از بی اخلاقی در جامعه، ضعف نهادهای رسمی و مهیا نبودن بانک برای مواجهه با دو پدیده خطرآفرین انتخاب بد و مخاطرات اخلاقی، پافشاری بانک‌ها بر استفاده از شیوه PLS کارایی آنها را به شدت کاهش داده و حتی آنها را در معرض خطر ورشکستگی قرار خواهد داد. به گفته «میرآخور»:

«مقامات پولی کشورهای اسلامی معتقدند که پیاده کردن نظام بانکداری اسلامی به طور کامل بر مبنای PLS، به منزله حرکت در «یک مسیر نامعلوم» است. این نگرانی احتیاط-آمیز نسبت به ایمنی نظام بانکی اساساً مبتنی بر آن مباحثات مربوط به خطرات اخلاقی است، که در صورت نبود ارزش‌های اخلاقی اسلامی در جامعه بازرگانان، دست زدن به PLS توسط بانک، مانند مضاربه و مشارکت، بدون داشتن تضمین‌های کافی، ممکن است به ورشکستگی بانک‌ها منجر شود. نتیجه این خواهد شد که مقامات پولی متوسل و متکی به روش‌های ضعیف-تر تأمین مالی مانند فروش اقساطی می‌شوند که احتمال ریسک را به حداقل می‌رساند.»<sup>۲۷</sup>

**(۲) عدم اطمینان در محیط پیرامونی بانک:** همواره در جامعه عده‌ای کارآفرین وجود دارند که برای عملیاتی کردن ایده‌های کارآفرینانه خود نیازمند تأمین مالی هستند و متقابلاً بانک‌ها

۲۶. به عنوان نمونه نگاه کنید به مقاله کامران ندری با عنوان «چه چیزی بانکداری اسلامی را به سوی استفاده از عقود مبتنی بر نرخ بهره ثابت سوق می‌دهد؟»، ارائه شده در سومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲، (ص ۲۲۵ مجموعه مقالات)

۲۷. به نقل از «مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی»، ص ۲۸۸

(یا پس‌انداز‌کنندگانی) وجود دارند که مایلند با هدف کسب سود، سرمایه مالی مورد نیاز کارآفرینان را تأمین نمایند. بدین ترتیب، بازار تأمین مالی متشکل است از گروهی عرضه‌کننده (تأمین مالی کنندگان) و گروهی متقاضی (تأمین مالی شوندگان). هریک از عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان، بسته به تلقی و چشم‌اندازی که از وضعیت و شرایط محیط سرمایه‌گذاری دارند، ممکن است به یکی از دو شیوه «تأمین مالی با بازدهی ثابت و ازپیش تعیین شده» یا «تأمین مالی به شیوه PLS» تمایل بیشتری نشان دهند. اگر از دید کارآفرین به قضیه نگاه کنیم، در شرایط اطمینان و یا در پروژه‌هایی که چشم‌انداز سودآوری آنها بالاست، استفاده از شیوه تأمین مالی با بازدهی ثابت و ازپیش تعیین شده، بر شیوه دیگر ترجیح دارد. علت این است که شیوه PLS (مشارکت)، از نقطه‌نظر کارآفرین، به دلیل تسهیم زیان احتمالی پروژه و جلوگیری از ورشکستگی کامل، جذاب‌تر است. در سناریوی مورد بحث (شرایط اطمینان)، که ریسک اجرای پروژه اندک است، این ویژگی PLS برای او چندان قابل توجه و جذاب نیست. از سوی دیگر، بالا بودن چشم‌انداز سود (سود انتظاری بالا) می‌تواند در کارآفرین این تمایل را ایجاد کند که از شراکت دیگران (مثلاً بانک) در سود جلوگیری کند. دقیقاً به همین دلیل است که در شرایط اطمینان، متقاضیان تمایل بیشتری به شیوه تأمین مالی با نرخ بهره ثابت و تمایل کمتری به شیوه تأمین مالی PLS از خود نشان می‌دهند.

حال اگر در همین شرایط (شرایط اطمینان)، از دیدگاه عرضه‌کننده به قضیه نگاه کنیم، نتیجه متفاوت خواهد بود: عرضه‌کنندگان در بازار تأمین مالی (بانک‌ها و سپرده‌گذاران) با توجه به ریسک اندک پروژه‌های سرمایه‌گذاری که قرار است با سرمایه آنها تأمین مالی شود، ترجیح خواهند داد که به جای اعطای وام و دریافت بهره معین، در پروژه مورد نظر «مشارکت» نمایند؛ زیرا در این شرایط، خطر چندان متوجه سرمایه آنها نیست، و در صورت موفقیت پروژه، سهم سود آن‌ها بیشتر از نرخ بهره ثابت خواهد بود. بالا بودن سود مورد انتظار پروژه می‌تواند انگیزه عرضه‌کنندگان را برای انتخاب شیوه PLS و اجتناب از شیوه تأمین مالی با بازده ثابت، تقویت کند. بنابراین، در شرایط اطمینان و یا سودآوری بالا، کارآفرینان خواهان شیوه تأمین مالی با بازده ثابت، و بانک‌ها و سپرده‌گذاران، خواهان شیوه مشارکت در سود و زیان هستند. اما در شرایطی که محیط کسب و کار از نوسان قابل توجهی برخوردار است (شرایط عدم اطمینان)، تمایلات عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان در بازار تأمین مالی جابجا خواهد شد. در این وضعیت، کارآفرینان برای کسب امنیت بیشتر و انتقال بخشی از زیان احتمالی (که طبق فرض، احتمال آن هم قابل توجه است) به تأمین‌کنندگان مالی پروژه، به استفاده از شیوه PLS تمایل

بیشتری نشان می‌دهند و عرضه‌کنندگان (بانک‌ها و سپرده‌گذاران) دقیقاً به همین دلیل، یعنی به منظور فرار از ریسک، تمایلی به شیوه PLS ندارند و خواهان دریافت بازده ثابت و ازپیش تعیین‌شده هستند.

نتیجه مستقیم تحلیل بالا این خواهد شد که در شرایط اطمینان، تقاضا برای وجوه ربوی بیشتر از تقاضا برای PLS، و عرضه وجوه ربوی کمتر از عرضه وجوه مبتنی بر PLS است. این وضعیت در عرضه و تقاضا باعث می‌شود که در شرایط اطمینان، هزینه تأمین مالی از طریق مشارکت، بطور نسبی، از هزینه تأمین مالی از طریق دریافت وام‌های مبتنی بر بهره، کمتر باشد. به عبارت دیگر، شیوه PLS شیوه مناسبی برای شرایط اطمینان (نسبی) است.

متقابلاً، در شرایط عدم اطمینان، تقاضا برای SPL بیشتر از تقاضا برای وجوه ربوی، و عرضه PLS کمتر از عرضه وجوه ربوی خواهد بود. به عبارت دیگر، در شرایط عدم اطمینان، هزینه تأمین مالی از طریق مشارکت به‌طور نسبی از هزینه تأمین مالی از طریق دریافت وام و پرداخت بهره بیشتر است و این موضوع، از منظر ترغیب کارآفرینان به سرمایه‌گذاری و تسریع در فرآیند توسعه، قابل توجه است.

## ۵-۲. شیوه‌های تأمین مالی و توسعه اقتصادی

آرتور لویس (۱۹۹۴)، که برنده جایزه نوبل در اقتصاد است می‌گوید: رشد و توسعه اقتصادی عبارت است از گسترش تدریجی بخش مدرن و کاهش تدریجی بخش سنتی. این تعریف ساده که به تعریف دو بخشی نیز معروف است، اقتصاد را به دو بخش مدرن و سنتی تقسیم می‌کند و مدرن شدن را متناظر با توسعه می‌داند. می‌توان گفت از دید لوئیس مفاهیم پیشرفته صنعتی و شهری و همین‌طور مفاهیم سنتی کشاورزی و روستایی با هم مترادف هستند. به عبارت دیگر بخش‌های مدرن یا صنعتی یا شهری مبتنی بر علم هستند و توسعه به معنای آن است که بخش مدرن به تدریج گسترش یابد. اگر چه در کشورهای توسعه‌نیافته این سه مفهوم تفاوت‌های معناداری با هم دارند (آرتور لویس، ۱۹۹۴، به نقل از طیبی و همکاران، ۱۳۸۷).

چنری (۱۹۹۸)، مانند لوئیس عقیده دارد که توسعه اقتصادی به مثابه مجموعه تغییرات مرتبط به هم، در ساختار اقتصادی است که جهت رشد مداوم لازم است. یعنی چنری رشد اقتصادی را هدف توسعه می‌داند، لیکن اصلاحات را در ساختارها از جمله ایجاد یک سیستم مالی کارا برای تداوم رشد اقتصادی لازم می‌داند. رشد اقتصادی به معنای افزایش درآمد سرانه (به قیمت ثابت) است و درآمد سرانه زمانی افزایش می‌یابد که مجموع ارزش افزوده تمام کالاها

و خدمات تولید افزایش پیدا کند. رشد اقتصادی زمانی حاصل می‌شود که واقعاً تمام مردم یک کشور برای افزایش ارزش افزوده، بسیج شوند. بدیهی است استمرار رشد اقتصادی بدون ایجاد تغییرات اساسی در ساختارها میسر نمی‌شود. پس تعریف چنری را نیز می‌توان جزو تعاریف ساختارگراها به شمار آوریم (چنری، ۱۹۹۸، به نقل از طیبی و همکاران، ۱۳۸۷).

به طور کلی بحث نظری آثار توسعه مالی بر رشد بر این پایه استوار است که چنانچه سیستم مالی بتواند به وظایف اصلی خود در مورد کاهش هزینه اطلاع رسانی، تسهیل مبادلات و بررسی دقیق‌تر هزینه‌ها عمل کند، منجر به رشد اقتصادی خواهد شد. به عبارت دیگر چگونگی تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی به نقش واسطه‌های مالی در ارزیابی و برآورد توان بنگاه‌های اقتصادی که اقدام به نوآوری می‌کنند، بستگی دارد. تجهیز منابع، ایجاد مدیریت ریسک و کاهش آن، تنوع بخشیدن به دارایی‌ها و افزایش نرخ پس‌انداز عوامل اصلی فراهم کردن زمینه‌های رشد اقتصادی توسط سیستم مالی است.

با توجه به ویژگی‌های کارایی و ثبات در نظام تأمین مالی اسلامی، نظام بانکداری و تأمین مالی اسلامی امکان رشد بیشتری را می‌تواند فراهم می‌کند. یکی از مهم‌ترین عامل‌های که در رشد و توسعه نقش ایفا می‌کند نظام مالی سالم است. وجود چنین نظامی نه تنها به منظور تجهیز منابع و انتقال آن به سرمایه‌گذاری‌های مولد مورد نیاز است، بلکه کارایی و عدالتی که چنین نظامی پدید می‌آورد، به منظور تقویت فرآیند رشد ضروری است. یک نظام مالی اسلامی که به طور گسترده بر مبنای روش‌های مشارکتی تأمین مالی بنا شده باشد، محیطی مناسب برای رشد و توسعه فراهم می‌آورد؛ آن هم از راه تطابق دادن منافع پس‌اندازکنندگان، واسطه‌های مالی و کارفرمایان. به علت آنکه رشد در خلق ثروت جدید است، ساختار مالی اسلامی باعث می‌شود هر سه طرف در پدید آوردن رشد در جامعه مشارکت کنند؛ که این باعث می‌شود تمام افراد به پدید آوردن رشد علاقه‌مند شده، و به منظور پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و کار، انگیزه پیدا کنند. چنین ساختاری با حذف بهره، باعث می‌شود هیچ فردی نتواند بدون ایفای نقش در خلق ثروت جدید و پذیرفتن ریسک‌های مربوطه، از ثروت فراهم آمده سهمی را ببرد (صدیقی، ۱۹۸۳؛ میرآخور، ۱۹۹۵).

با ثابت بودن سطح بهره‌وری، اشتغال کامل به تقویت رشد اقتصادی می‌انجامد. بنابراین باید گفت نظام تأمین مالی مبتنی بر مشارکت، از انعطاف‌پذیری لازم برای تجهیز منابع مالی تمام پروژه‌هایی که بهره‌وری انتظاری مثبت دارند برخوردار است. بنابراین در مقایسه با نظامی که برای بهره‌وری، یک سطح حداقلی در نظر می‌گیرد (به‌گونه‌ای که پروژه‌های با بهره‌وری

انتظاری کمتر از آن حد تعیین شده رد خواهند شد) کمک بسیار بیشتری به دستیابی به اشتغال کامل منابع خواهد کرد. این در حالی است که در نظام مالی متعارف پروژه‌هایی که کارایی سرمایه آن‌ها پایین تر از نرخ بهره بازاری است، منطقاً نباید تأمین مالی شوند. سرانجام باید گفت مشارکت در سود و به‌ویژه در شرایطی که تعیین نرخ مشارکت تا حد فراوانی به‌وسیله نیروهای بازار انجام می‌شود، پروژه‌های مرزی (پروژه‌هایی که نرخ سود انتظاریشان در مرز حداقل تعیین شده است) را احیا می‌کند؛ که این بهتر از آن است که منابع به علت تضمین نکردن سودی بیش از نرخ بهره، معطل باقی بمانند. بنابراین تأمین مالی اسلامی در مقایسه با تأمین مالی متعارف به منظور رشد مناسب‌تر است (همان منبع).

شیوه تأمین مالی اسلامی با فعالیت‌های صرفاً پولی بانکداری متعارف همانند تجدید مهلت بازپرداخت بدهی (استمهال بدهی)، معاوضه بدهی، تأمین مالی تعادل‌های نقدی سوداگران، انتقالات نقدینگی بین بانکی سوداگران، گمانه‌زنی‌های ارز، پیش‌فروش (فروش کوتاه‌مدت)، صندوق‌های تأمینی و تعهدات بدهی تضمین‌شده<sup>۲۸</sup> ناسازگار (مخالف) غیرقابل تطبیق هستند. بدون تکامل سیستم بانکداری، انقلاب صنعتی در کشورهای غربی اتفاق نمی‌افتاد. همچنین بدون وجود یک بانکداری سالم (قوی)، کشورهای در حال توسعه در ردیف کشورهای پیشرفته قرار نمی‌گیرند. بدون شک اگر سیستم بانکی یک کشور، کارآمد، مؤثر، خوب و منظم باشد، رشد سریع در بخش‌های مختلف اقتصاد از طریق (۱) ترویج تشکیل سرمایه، (۲) ارائه تسهیلات اعتباری و (۳) سرمایه‌گذاری در شرکت‌های جدید؛ ارتقاء تجارت، صنعت و کشاورزی، ارتقاء صادرات و اجرای سیاست پولی را به ارمغان می‌آورد. این موضوع نشان‌دهنده این است که بانک‌ها به واسطه تنظیم سیاست‌های نقدینگی است که در توسعه اقتصادی تأثیرگذار هستند. در این ظرفیت، بانک‌ها جریان سرمایه‌گذاری در سراسر بازار را تحت تأثیر قرار می‌دهند. یکی از ابزارهای اصلی بانک‌ها در این راستا، اعطای وام است. مطالعات قبلی نشان می‌دهند که بیشتر بانک‌های تجاری از تأمین مالی پروژه‌های با ریسک بالا حتی در صورت داشتن بازدهی بالا صرف‌نظر می‌کنند و وام را به فعالیت‌های با ریسک پایین اختصاص می‌دهند حتی اگر بازدهی چنین فعالیت‌هایی بسیار کم باشد. این بانک‌ها به دنبال فرصت‌های بهتر سرمایه‌گذاری با ریسک و بازدهی معقول نیستند بلکه آن‌ها به دنبال شرکت‌هایی با وثیقه (تضمین) کافی برای دادن اعتبار و بهره بدهی هستند. این باعث می‌شود که آن‌ها تمایل کمتری به شرکت‌های کوچک مالی که وثیقه کافی ندارند داشته باشند.

28. Collateralized Debt Obligations (CDOs)

به گفته یومر چپرا (۲۰۰۹)، سه عامل این امکان را برای متوسل شدن بانک‌ها به چنین شیوه‌های ناسالمی فراهم کرده است: نظم و انضباط نامناسب و ناکافی در بازار، گسترش تردید (موانع) ذهنی در مواردی نظیر معاوضه‌های پیش فرض اعتبار<sup>۲۹</sup> و شکست هراسی که برای بانک‌ها یک حس نادرست مصونیت از ضرر و زیان را فراهم کرده است. این احساس نادرست منجر به گسترش اعتبار زیان‌آور، نسبت بالای بدهی به دارایی خالص، افزایش ناپایدار قیمت دارایی‌ها، زندگی با درآمد پایین و سرمایه‌گذاری سوداگرانه می‌شود. از سوی دیگر او استدلال می‌کند که سیستم مالی اسلامی اجازه ایجاد بدهی از طریق اعطای وام و قرض به صورت مستقیم را نمی‌دهد چرا که اعطای وام تنها می‌تواند از طریق اجاره یا فروش مبتنی بر تأمین مالی انجام شود. البته دارایی فروخته شده و یا اجاره داده شده باید دارایی واقعی باشد و فروشنده یا مؤجر باید مالکیت دارایی را قبل از معامله داشته باشد. بدهی به وجود آمده از چنین معامله‌ای را نمی‌توان برای جلوگیری از خطر آن به یک شخص ثالث بازفروش کرد. این باعث می‌شود وام‌دهنده خطر کامل حاصل از عملیات خود مانند عدم وجود ریسک و عدم وجود بازدهی را بپذیرد. این مسئله به جلوگیری از افزایش بدهی فراتر از حجم واقعی اقتصاد که از بحران‌های مالی جهانی نتیجه می‌شود، کمک خواهد کرد (یومر چپرا، ۲۰۰۹).

سلمان سید (۲۰۱۱) نیز استدلال می‌کند که بانک‌های اسلامی برای هر دو نوع اعتبار حاصل از تأمین مالی اسلامی مانند مرابحه و معاملات اجاره که برای منفعت مال<sup>۳۰</sup> (حق عمری) یا دارایی ملموس (ثابت) اعتبار فراهم می‌کنند، به شناخت هدف مشتری و استفاده از تأمین مالی (دارایی) نیاز دارند. این شیوه‌ها به مالکیت دارایی توسط بانک برای مدت کوتاه در مورد مرابحه و مدت زمان طولانی‌تری برای تأمین مالی اجاره نیاز دارند. این مکانیسم احتمال (یا اطمینان از) اینکه سرمایه‌ها برای مقاصد مذکور استفاده می‌شوند را می‌تواند افزایش دهد. بنابراین اعتبار به دست آمده از این طریق به شرط پایبندی به مفاد قرارداد مشارکت، به فعالیت‌های اقتصادی واقعی گره خورده است. در تأمین مالی بانکداری متعارف، مشتری نیازی به فاش کردن استفاده از بودجه‌ها ندارد و به همان اندازه مشتری به ارزش اعتبار<sup>۳۱</sup> یا توانایی ثبت وثیقه مناسب معتقد است. این مالکیت دارایی سرمایه‌ای به وسیله بانک، می‌تواند به آن‌ها در کاهش ریسک اعتبار کمک کند. از این طریق، تمديد اعتبار که منجر به بالا رفتن بدهی

29. Credit Default Swaps (CDSs)

30. Usufruct

31. Credit Worthy

می‌شود و همچنین اعتباری که باعث تفکیک بخش نقدینگی از بدنه اصلی اقتصاد می‌شود نیز با محدودیت مواجه می‌شوند.

مشاهده شده است که تولیدکنندگان کوچک و کشاورزان، در مقایسه با واحدهای تولیدی بزرگتر با مشکلات بسیار بیشتری در اخذ اعتبار کوتاهمدت، میان‌مدت و بلندمدت از طریق کانال‌های نهادی مواجه هستند. محدودیت عمده برای دسترسی به منابع مالی، نبود وثیقه‌های ملموس است (سلمان سید، ۲۰۱۱).

عبدلی (۱۹۹۱)، استدلال می‌کند که بانکداری اسلامی از طریق اخذ دارایی‌های ثابت (ملموس) مانند آموزش، مهارت و تجربه و تضمین این دارایی‌ها می‌تواند برای تمام تولید کنندگان بالقوه اقتصادی فرصت برابر فراهم کرده و به رفع موانع تبعیضی کمک کند. بانکداری اسلامی با قادر ساختن شرکت‌های کوچک برای بدست آوردن منابع مالی بر اساس مشارکت، به ظهور یک اقتصاد عادلانه و در حال رشد کمک می‌کند. او استدلال می‌کند که روند رایج مؤسسات بانکداری غرب برای اعطای تسهیلات اعتباری تنها به کسانی که قادر به ارائه ضمانت (در گرو گذاشتن دارایی) کافی هستند ممکن است تا حدودی، توزیع نابرابر درآمد بین طبقات بالا و پایین را وخیم‌تر کند. در این زمینه بانکداری اسلامی یک معیار جدید در وام‌دهی ارائه می‌دهد. از آنجا که بانکداری اسلامی یک سیستم مالی مبتنی بر تأمین مالی مشارکتی است ممکن است به اندازه بانک‌های متعارف غربی به تضمین‌های ثابت وابسته نباشد. همچنین دسترسی به تأمین مالی به‌طور کامل وابسته به موجودی ثروت نیست که این نهایتاً ممکن است منجر به توزیع بهتر درآمد و همچنین بهبود بیشتر در رفاه کسانی شود که با توجه به کمیابی منابع برای هیچ یک از کاستی‌هایشان بخششی صورت نگرفته است (عبدلی، ۱۹۹۱).

در مقایسه با روش‌های تأمین مالی متعارف، تأمین مالی اسلامی نه تنها بر روی حدود اعتبار مشتری بلکه تا حدودی بر ارزش و قابلیت سوددهی پروژه برای تأمین مالی متمرکز می‌شود. بنابراین اصل جبران کمبود مالی، نتیجه‌ای از قابلیت سوددهی و ارزش واقعی پروژه است (القائیس، ۲۰۱۱).

مفهوم به سود مشارکتی اسلامی به بالا بردن توسعه اقتصادی کمک می‌کند و از طریق تشویق توزیع برابر درآمد منجر به منافع بیشتر برای عدالت اجتماعی و رشد پایدار می‌شود. طرح مشارکت در سود و زیان باعث بهبود کارایی تخصیص سرمایه می‌شود به‌طوری‌که بازدهی سرمایه به بهره‌وری و قابلیت سوددهی پروژه تأمین مالی بستگی دارد. مشارکت در سود و زیان مبتنی بر تأمین مالی، با تشویق فعالیت‌های کارآفرینی به‌وسیله برطرف کردن بی‌عدالتی ناشی

از تأمین مالی مبتنی بر بهره، باعث می‌شود کارآفرین، مسئول ضرری باشد که به پروژه‌اش وارد می‌شود. مشارکت در سود و زیان، خطر را به یک روش منصفانه با تشویق کارآفرین ریسک‌پذیر به انجام پروژه‌های بیشتر با همان سطح تمایل به ریسک‌پذیری که قبلاً داشت، توزیع می‌کند (القاتیس، ۲۰۱۱).

به واسطه مالیه اسلامی، کارآفرینی و به اشتراک‌گذاری خطر ترویج و ترقی پیدا می‌کنند و گسترش آن‌ها به بخش‌های بی‌بضاعت جامعه را می‌توان یکی از ابزارهای اصلی توسعه در نظر گرفت. منافع اجتماعی مشخص هستند به عنوان مثال در حال حاضر فقرا اغلب به واسطه میزان رباخواری مؤسسات مالی مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند. اصل به اشتراک‌گذاری در شیوه‌های بانکداری سنتی بسیار متفاوت است. این شیوه بانکداری، مفهوم به اشتراک‌گذاری تأمین منابع مالی را معرفی می‌کند و یک انگیزه عملکردی در ذهن بانکداری که سپرده‌هایش وابسته به عملکردش در استفاده از سرمایه است، ایجاد می‌کند. ثبات و پایداری بازار سپرده یکی از پیامدهای این سیاست است (کُهِف، ۱۹۹۹).

با توجه به اینکه در سیستم مالی اسلامی، پس اندازها باید در یک مکانیسم بدون بهره و خارج از بازارهای گسترش سرمایه نگاه داشته می‌شوند، بنابراین طبیعتاً چاره دیگری وجود ندارد مگر اینکه این پس اندازها به سمت سرمایه‌گذاری‌های اساسی هدایت شوند و در نتیجه ابزار توسعه اقتصادی را فراهم کنند. این انگیزه برای سرمایه‌گذاری در بانک‌های اسلامی ممکن است ناشی از این واقعیت باشد که سهم سود بانک‌ها در چنین شرایطی به احتمال زیاد بالاتر از نرخ بهره ثابت داده شده توسط بانک‌های متعارف می‌شود (اقبال، ۱۹۹۷).

سیستم بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف ریسک را به شیوه مناسب‌تری توزیع می‌کند چرا که در این شیوه بانکداری ریسک باید میان کارآفرین و سرمایه‌گذار توزیع شود. با اینحال باید توجه داشت که یکی از ملزومات کلیدی توسعه اقتصادی، تجهیز مناسب منابع داخلی و منابع خارجی در کنار یکدیگر است. در نتیجه با بی‌توجهی به هر کدام از این منابع، پتانسیل لازم برای توسعه اقتصادی تحقق نیافته است. در مالیه اسلامی باید بر قابلیت سوددهی سرمایه‌گذاری و نرخ بازده سرمایه‌گذاری متمرکز بود، چرا که به دلیل تساوی حقوق طرفین قرار داد سرمایه‌گذاری و مشارکت در سود، طرفین طبیعتاً به سمت تخصیص بهینه منابع سرمایه‌گذاری و رسیدن به بیشترین سرمایه‌گذاری مولد متمایل خواهند بود (کُهِف، ۱۹۹۹).

بین بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف در ضابطه واسطه‌گری‌های مالی تفاوت وجود دارد. تکیه گاه اصلی بانکداری و مالیه اسلامی، عدالت است که عمدتاً از طریق مشارکت در ریسک بدست می‌آید. به دلیل ممنوعیت بهره در اسلام سهامداران منصوب به مشارکت در سود و زیان هستند. در حالی که واسطه‌گری متعارف تا حد زیادی مبتنی بر بدهی است و در آن اجازه انتقال ریسک داده می‌شود، در مقابل واسطه‌گری اسلامی مبتنی بر دارایی است و بر مشارکت در ریسک تمرکز دارد. یکی از تفاوت‌های عمده میان بانک‌های متعارف و اسلامی این است که در بانکداری اسلامی اجازه سرمایه‌گذاری و تأمین مالی از طریق ابزارهایی نظیر اوراق قرضه، دارایی‌های مضر (مهلک) و فرعی (اشتقاقی) که بانک‌های اسلامی را تحت تأثیر رقبای متعارفشان قرار داده و باعث دامن زدن به بحران مالی جهانی می‌شوند، داده نشده است (دریدی و حسن، ۲۰۱۰).

یومر چپرا (۲۰۰۹)، معتقد است از آنجا که ساختار رایج سیستم مالی متعارف برای یک مدت طولانی در حال فعالیت است، احتمالاً بعید است که جامعه بین‌المللی مسئولیت انجام اصلاح ساختار بنیادی<sup>۳۲</sup> به شکلی که سیستم مالی اسلامی با آن روبه‌رو است را بر عهده بگیرد. با این حال پذیرش برخی از عناصر سیستم مالی اسلامی برای حصول اطمینان از سلامت و ثبات نظام مالی جهانی ضروری است (یومر چپرا، ۲۰۰۹).

افزایش سرمایه‌گذاری پیش‌شرط قطعی توسعه اقتصادی است و شیوه‌هایی که جوامع مختلف برای تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری ابداع یا انتخاب می‌کنند، نقش مهمی در تسهیل سرمایه‌گذاری، و در نتیجه، تسریع توسعه اقتصادی آن جوامع ایفا می‌کند. اقتصاددانان مسلمان اثبات کرده‌اند که شیوه تأمین مالی مبتنی بر مشارکت در سود و زیان در مقایسه با شیوه اعطای وام در مقابل دریافت بازده ثابت<sup>۳۳</sup> از نقطه‌نظر کاهش هزینه‌های تولید، افزایش ریسک‌پذیری جامعه، کنترل ادوار تجاری و پیشگیری از ورشکستگی بانک‌ها از کارایی بالاتری برخوردار است. در عین حال، برخی از اقتصاددانان مسلمان نشان داده‌اند که این امتیاز روش تأمین مالی مشارکتی در صورتی است که اولاً، پدیده «عدم تقارن اطلاعاتی» و دو خطر ناشی از آن یعنی «انتخاب معکوس» و «مخاطره اخلاقی» در جامعه جدی نباشد؛ و ثانیاً، جامعه در شرایط عدم اطمینان قرار نداشته باشد. در غیر این صورت، التزام به بانکداری اسلامی ممکن است از طریق افزایش هزینه تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری، افزایش هزینه مبادله و

32. Radical Structural Reform

33. Fixed Return Scheme (FRS)

افزایش خطر احتمال ورشکستگی بانک‌های اسلامی، به کندشدن حرکت توسعه بینجامد<sup>۳۴</sup> (حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۸۶).

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این مطالعه یک پیش‌درآمدی از مطالعه تجربی وسیع در باب تأثیر تجربه بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی است. از جمله ویژگی‌های اصلی بانکداری اسلامی منع بهره «ربا»، جلوگیری از سرمایه‌گذاری‌های غیراخلاقی، خالی بودن قراردادهای از غرر و همچنین خالی بودن از هر گونه ضرر، عدم وجود بی‌ثباتی و نوسان و ... می‌باشد. بانک‌های اسلامی باید روش‌های مالی متعدد و متنوعی را بر مبنای ویژگی‌های فوق خلق کرده و توسعه دهند. این امر موجب شکل‌گیری برخی مزیت‌های منحصر به فرد بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف می‌شود از جمله: کارایی و ثبات بیشتر، کاهش خطر اخلاقی کاهش فقر.

تمرکز اصلی این مقاله بررسی ادبیات مربوط به ارتباط بین تأمین مالی اسلامی به طور کلی و بانکداری اسلامی به طور خاص و رشد اقتصادی است. همچنین عملکرد تطبیقی بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف را مورد بررسی قرار می‌دهیم. یکی از پیامدهای این بررسی برای سیاست این است که بانکداری اسلامی به ثبات اقتصاد کلان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه کمک می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که مطالعات قبلی از این فرضیه که بانکداری اسلامی کانال اصلی برای رشد اقتصادی است حمایت می‌کنند. در وهله اول، خود مزایای حاصل از بانکداری اسلامی که قبلاً به آن‌ها اشاره شد، رشد اقتصادی بیشتری را نسبت به بانکداری متعارف نوید می‌دهند، و از سوی دیگر به‌طور کلی می‌توان گفت یک محیط اقتصادی اسلامی که به جای استفاده از بهره، به میزان مناسب از عقود مشارکتی و مبادله‌ای استفاده می‌کند، به علل گوناگون پیشرفت و توسعه اقتصادی بیشتری را در پی خواهد داشت و با بحران‌های کم‌تر و کوتاه‌تری روبه‌رو خواهد بود. در تلاش برای ریشه‌یابی عملکرد صوری بانک‌های اسلامی، با در نظر گرفتن سه موضوع «شرایط عدم اطمینان در جامعه پیرامون بانک»، «پدیده انتخاب بد» و «مخاطرات اخلاقی» در می‌یابیم که در صورت حاکمیت شرایط

۳۴. این موضوع در رساله دکتری «وقار مسعود خان» (۱۹۸۳) مطرح شد. ترجمه بخشی از آن در کتاب «مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی» تألیف «محسن س خان» ترجمه محمد ضیائی بیگلی آمده است.

عدم اطمینان در جامعه و یا جدی بودن ریسک‌های ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی التزام اکید به شیوه مشارکت در سود و زیان، می‌تواند به تمام یا برخی از نتایج زیر منجر گردد:

(۱) افزایش هزینه تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری (در صورت حاکمیت شرایط عدم اطمینان)؛

(۲) افزایش هزینه مبادله (در صورت استفاده ابزاری از عقود همچون لیزینگ، فروش اقساطی و انتشار اوراق صکوک یا تنظیم قراردادهای مضاربه و مشارکت «با سود تضمین شده» برای تأمین سرمایه در گردش مورد نیاز واحدهای تولیدی)؛

(۳) افزایش خطر ورشکستگی بانک‌های اسلامی (در صورت ضعف شاخص‌های اخلاقی در جامعه).

بنابراین، نمی‌توان با قاطعیت بانکداری اسلامی را در کلیه شرایط زمینه‌ساز توسعه قلمداد نمود. احتمالاً در مواردی از جمله مواردی که در بالا ذکر کردیم التزام به بانکداری اسلامی به یکی از سه دلیل پیش گفته می‌تواند موجب کندی حرکت توسعه گردد.

رهنمود سیاستی تحلیل حاضر می‌تواند به این صورت مطرح شود که برای استفاده از تمامی ظرفیت‌های بانکداری اسلامی و تبدیل آن به فرصتی در مسیر توسعه جوامع اسلامی، ضروری است که:

اولاً، شاخص‌های اخلاقی در این جوامع ارتقاء یابد؛

ثانیاً، نهادهای رسمی معطوف به شفافیت معاملات و کاهش هزینه‌های مبادله تقویت شود؛ و ثالثاً، سیستم‌های مدیریتی، کارشناسی و نظارتی بانک‌های اسلامی مورد بازنگری قرار گرفته و کارآمدی آن‌ها افزایش یابد.

تنها در این صورت است که می‌توانیم اجرای دقیق بانکداری اسلامی را در زمره عوامل زمینه‌ساز توسعه بشمار آوریم. پیشنهادهای زیر با توجه به مباحث نظری مطرح شده در قالب سیاست‌های کاربردی قابل ارائه هستند:

(۱) ترویج بانکداری اسلامی بدون ربا به صورتی که تأمین مالی در راه درست سرمایه‌گذاری صورت پذیرد که به نفع اقتصاد و رونق در تولید داخلی و رشد اقتصادی خواهد بود.

(۲) صدور مجوز فعالیت به بانک‌های اسلامی خارجی در ایران نیز می‌تواند به ترویج نوآوری بیشتر در صنعت بانکداری اسلامی داخلی کمک کند.

۳) با افزایش تعداد بانک‌های اسلامی و مؤسسه‌های مالی اسلامی نیاز به داشتن نیروی انسانی با مهارت کافی برای مدیریت این نهادها حس می‌شود. در این جهت، دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزشی تخصصی برای تولید نیروی انسانی ماهر مورد نیاز است.

۴) دقت واگذاری در تسهیلات بانکی و سوق دادن منابع مالی به سمت سرمایه‌گذاری‌های مناسب.

### منابع

۱. اکبریان، رضا (۱۳۸۴). "بانکداری اسلامی و اثرات آن بر توسعه اقتصادی"، انجمن علمی اسلام و توسعه اقتصادی، صص، ۵۸۹-۵۶۳.
۲. انصاری، مرتضی (۱۳۷۵). "المکاسب"، بی‌جا، ۱۳۷۵.
۳. پورفرج، علیرضا، علیزاده، ولی‌الله (۱۳۹۱). "ارزیابی درجه تمرکز اعتبارات در عقود ایلامی و اثر آن بر رشد اقتصادی در ایران"، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۹۸، صص، ۲۱-۱.
۴. پورفرج، علیرضا (۱۳۸۵). "روش دستیابی به رشد پایدار با حذف بهره در الگوی پولی اسلامی"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۵.
۵. حسینی‌زاده بحرینی، محمدحسین (۱۳۸۶). "بانکداری اسلامی: مانع یا زمینه ساز توسعه؟"، مجله اندیشه حوزه، صص، ۲۹-۱۳.
۶. سعیدی، پرویز (۱۳۸۸). "ارزیابی نقش تسهیلات شبکه بانکی در رشد اقتصادی"، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۶، صص، ۱۹۳-۱۶۷.
۷. صمصامی، حسین، توکلی، امیرحسین (۱۳۹۱). "اثر اجرای بانکداری بدون ربا بر سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و تورم در ایران"، معرفت اقتصاد اسلامی، سال سوم، شماره دوم، پیاپی ششم، صص، ۹۶-۷۸.
۸. طیبی، کمیل، سامتی، مرتضی و یاسر عباسلو (۱۳۸۷). "تقویت نظام بانکی ایران و اثر آن بر آزدسازی و رشد اقتصادی کشور"، مجموعه مقالات نوزدهمین همایش بانکداری اسلامی، صص، ۷۴-۴۳.
۹. علی‌نژاد، بهزاد (۱۳۸۸). "اصول بانکداری اسلامی"، توسعه صادرات، سال چهاردهم، شماره ۸۰، صص، ۴۵-۴۲.

۱۰. عیوضلو، حسین، میسمی، حسین (۱۳۸۷). "بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف"، فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۳۱، صص، ۱۶۱-۱۸۹.
۱۱. کازرونی، علیرضا (۱۳۸۲). "رابطه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی- تجربیات ایران"، مجموعه مقالات سیزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، پژوهشکده پولی و بانکی، تهران، صص، ۹۷-۱۱۴.
۱۲. محسن س. خان و عباس میرآخور، مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی، ترجمه محمد ضیائی بیگدلی، موسسه بانکداری ایران وابسته به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰.
۱۳. موسویان، سیدعباس (۱۳۸۱). "طراحی سپرده‌های جدید در بانکداری بدون ربا"، مجله فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سال دوم، شماره ۷، صص، ۵۱-۷۴.
۱۴. موسویان، سیدعباس (۱۳۸۲). "حوزه‌های فقه‌ای و عرصه‌های کارشناسی بانکداری اسلامی"، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۱۲، صص، ۶۹-۹۲.
۱۵. موسویان، سیدعباس، ورمزیاری، بهزاد (۱۳۹۲). "بررسی تأثیر بانکداری بدون ربا بر رشد اقتصادی در ایران"، فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۸، صص، ۲۹-۵۲.
۱۶. نظرپور، محمدتقی، اشراقی، فرشته و زهره خواجه‌سعید (۱۳۹۱). "اثر بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی"، مطالعات کمی در مدیریت، سال چهارم، شماره دوم، صص، ۴۳-۵۸.
۱۷. نوری‌احمدآبادی، حبیب (۱۳۹۰). "بررسی مزیت‌های بانکداری اسلامی"؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
18. AAOIFI, 2010. Accounting, Auditing and Governance Standards for Islamic Financial Institutions (Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions, Bahrain): P. 526.
19. Abdouli, A. H (1991). "Access to Finance and Collaterals: Islamic Versus Western Banking", Journal of KAU: Islamic Economies. Vol. 3, pp. 55-62.
20. Abduh. M., Mohd, A. O (2012), "Islamic Banking and Economic Growth: the Indonesian Experience", International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management, Vol. 5, pp. 35 – 47.

21. Alam, M. N., (2003). "Micro Credit through 'Bai-Mujjal' Mode of Islamic Banking Financing System", Conference of SANABEL (Canada).
22. Al-Jarrah I., Molyneux, P (2005). "Efficiency in Arabian Banking. In: Iqbal M", Wilson R (eds) Islamic Perspectives on Wealth Creation, Edinburgh University Press, Edinburgh, pp. 97-117.
23. Al-Oqool, M. A., Okab, R and M. Bashayreh (2014). "Financial Islamic Banking Development and Economic Growth: A Case Study of Jordan", International Journal of Economics and Finance; Vol. 6, No. 3, pp. 72-79.
24. Alshammari, SH (2003). "Structure-Conduct-Performance and Efficiency in Gulf Co-operation Council. PhD Thesis, University of Wales, Bangor.
25. Al-Qaradawi, (1987). "Murabaha Purchase Order as it Works in Islamic Banks" (Library of Wahbhi, Cairo).
26. Chapra, M. U (1998). "The Major Modes of Islamic Finance", Islamic Economics, Banking and Finance (Working Paper), Leicester, UK.
27. Chapra, U (2009). "The Global Financial Crises: Can Islamic Finance Help?", New Horizon (London-UK), pp. 20 – 24.
28. Cihak, M., Hesse, H (2008). "Islamic Banks and Financial Stability: An Empirical Analysis," IMF Working Paper 08/16 (Washington: International Monetary Fund). Published also in IMF Survey Magazine, International Monetary Fund (May 19, 2008).
29. Cole, H. L., Kocherlakota, N (1998). "Zero Nominal Interest Rates: Why they're Good and how to Get them", Federal Reserve Bank of Minneapolis Quarterly Review, Vol. 22, No. 2, pp. 2-10.
30. Dusuki, A. W (2008). "Understanding the Objectives of Islamic Banking: a Survey of Stakeholders Perspectives", International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management, Vol. 1, No. 2, pp. 132-148.
31. El-Galfy, A (1991). "The Bases Measurement of Murabaha in Islamic Banks", Accounting (Cairo University).
32. El-galfy, A., Khiyar A. K (2012). "Islamic Banking And Economic Growth: A Review", the Journal of Applied Business Research, Vol. 28, No. 5, pp. 943-955.
33. El-Ghattis, N (2011). "Islamic Banking's Role in Economic Development: Future Outlook", Centre of Islamic Finance, Bahrain Institute of Banking.
34. El Qorchi, M (2005). "Islamic Finance Gears Up", Finance Development IMF magazine.
35. Friedman, M (1969). "The Optimum Quantity of Money", in The Optimum Quantity of Money and Other Essays, Chicago: Aldine.
36. Furqani, H., and Ratna, M (2009). "Islamic Banking and Economic Growth: Empirical Evidence from Malaysia", Journal of Economic Cooperation and Development, Vol. 30, pp. 59-74.

37. Goaid, M., and Sassi, S (2010). "Financial Development and Economic Growth in the MENA Region: What about Islamic Banking Development", working paper.
38. Gudarzi Farahani, Y., and Sadr, S. M. H (2012). "Analysis of Islamic Bank's Financing and Economic Growth: Case Study Iran and Indonesia", Journal of Economic Cooperation and Development, Vol. 33, No. 4, pp. 1-24.
39. Hasan, M., Dridi, J. (2010). "The Effects of the Global Crisis on Islamic and Conventional Banks: A Comparative Study", IMF Working Papers 10/2010, pp. 1-46.
40. Hassan, N. M. N., Musa, M. (2003). "An evaluation of the Islamic Banking Development in Malaysia", In International Islamic Banking Conference.
41. Hassanudin, T., Yousof, H., Hanafi, H., and Ebrahim (2013). "Do Islamic Banks Contribute to the Economic Growth than Conventional Banks? The Empirical Investigations of Bahrain Dual Banking", International Journal of Science Commerce and Humanities, Vol. 1, No. 3, pp. 86-116.
42. Haron, S (2000). "A Comparative Study of Islamic Banking Practices", Islamic Economic, Vol. 10, No. 1, pp. 23-50.
43. Haron, S., Hisham, B (2003). "Wealth Mobilization by Islamic Banks: the Malaysian Case", In International Seminar on Islamic Wealth Creation, University of Durham, Durham.
44. Iqbal, Z (1997). "Islamic Financial System, Finance and Development", pp. 42-45.
45. Iqba, M., Molyneux, P (2005). "Thirty Years of Islamic Banking: History, Performance and Prospects", pp. 34-35, Palgrave Macmillan, UK.
46. Kahf, M (1999). "Islamic Banks at the Threshold of the Third Millennium", Thunderbird International Business Review, Vol. 41, No. 4, 5, pp. 445-460.
47. Mirakhor, A (2000). "General Characteristics of an Islamic Economic System", in Siddiqi, A. (Ed.), Anthology of Islamic Banking, Institute of Islamic Banking and Insurance, London, pp. 11-31.
48. Mirakhor, A (1995). "Theory of an Islamic Financial System", in Encyclopedia of Islamic Banking and Finance, London.
49. Moin, M. S (2008). "Performance of Islamic Banking and Conventional Banking in Pakistan: A Comparative Study", Finance (University of Skovde).
50. Naqvi, S. N. H (2003). "Perspective on Morality and Human Well-Being: A Contribution to Islamic Economics", The Islamic Foundation, Leicester.
51. Omar Farooq, M (2006). "Partnership, Equity-Financing and Islamic Finance: Whither", Profit-Loss Sharing? Draft from .
52. Riahi-Belkaoui, A (2000). "Accounting Theory" Cengage Learning EMEA, p. 516.
53. Salman Syed, A (2011). "Islamic Banking In The MENA Region", Islamic Development Bank IRTI.

- 
54. Schaik, D (2001). "Islamic Banking", *The Arab Bank Review*, Vol. 3, No. 1, pp. 45-52.
  55. Shehatah, (1987). "The Accounting Theory in the Islamic View", (Al-Zahrai for Arabic Information, Cairo).
  56. Siddiqui, S. H (2001). "Islamic Banking: true modes of financing", *New Horizon*, Vol. 109.
  57. Siddiqi, M. N (1983). "Banking Without Interest", Leicester: The Islamic Foundation.
  58. Suleiman, N. M (2000). "Corporate Governance in Islamic Bank", *Islamic Banking*, Vol. 1, No. 1, pp. 99-116.
  59. Tabash, M. I., Dhankar, R. S (2014). "Islamic Finance and Economic Growth: An Empirical Evidence from United Arab Emirates (UAE)", *Journal of Emerging Issues in Economics, Finance and Banking (JEIEFB)*, Vol. 3, Issue. 2, pp. 1069-1085.
  60. Warde, I (2000). "Islamic Finance in the Global Economy", Edinburgh University Press, Edinburgh.
  61. Wilson, C (1979). "An Infinite Horizon Model with Money", In: Green, J.R., Scheinkman, J.A. (Eds.), *General Equilibrium, Growth, and Trade: Essays in Honor of Lionel McKenzie*. Academic Press, New York, NY.